

امام خمینی و کرامت، عزت و عظمت ملی مسلمانان

غلامرضا کلی زواره

معنا و مفهوم کرامت

کرامت در زبان و ادبیات فارسی چندین معنا را به ذهن متبادر می‌کند؛ از جمله بزرگواری، جوانمردی، نوازش‌ها، کارهای خارق العاده اولیا^۱، محرومان را مشمول لطف خویش قرار دادن، با قدر و قیمت بودن کار و یا تلاش، عزت و عظمت روح، کسی که قدر و منزلت و رتبه‌ای بالا، به لحاظ معنوی و اخلاقی دارد.^۲

در فرهنگ اسلامی کرامت یک نوع علو روحی و اعتلای معنوی و معرفتی است که موجب می‌شود آدمی از موضع عزت، صلابت و عظمت روحانی اخلاق، رفتار و کردار خود را سامان دهد و مناسبات خود را با افراد جامعه و حتی مخالفان بر این اساس تنظیم کند. انسانی که به این بزرگواری روحی رسیده است، باتلاق‌های ذلت را پشت سر می‌نهد و از امور لاهو و بیهوده پرهیزد و با رسیدن به آزادگی ویژه‌ای، در قبال سرنوشت اجتماعی و فردی خاموش نمی‌ماند، زیر بار هیچ قدرتی که از راه زور و سلطه به وجود آمده نمی‌رود و حق آزادی در اندیشه و انتخاب را برای گزینش بهترین راه سعادت برای اشخاص باز

می‌گذارد؛ ضمن این که وفاداری به اصول و ارزش‌های اسلامی و بنیان‌های عقیدتی را در نظر دارد و حتی از چنین منابع ارزشمندی برای حل مشکلات جهانیان کمک می‌گیرد. انسان اهل کرامت جنبش‌ها، نهضت‌ها و جوش‌های اجتماعی را به سوی فضیلت‌ها هدایت می‌کند.

امام خمینی در جستجوی کرامت و عزتی بود که بر خدا باوری و توحید اتکا داشت و هدایت و تربیت انسان را عملی می‌ساخت و در این زمینه، همان اصلاحاتی را پی گرفت که انبیا و اولیای الهی آغاز کرده بودند. تجدید حیات معنوی و بیداری که آن روح قدسی به وجود آورد، حرکتی فرهنگی برای رشد معنوی، پرورش‌های اخلاقی و عروج و سیر انسان‌ها به سوی حق تعالی به شمار می‌رفت. او دین‌داری و رعایت موازین شرعی را لازمه چنین کرامتی تلقی می‌کرد و بر این باور بود که فضیلت خواهی، عزت، عظمت و سربلندی مسلمانان با هر گونه غرب زدگی، خرافات، نژادگرایی، مادی‌گرایی و سلطه در تضاد آشکار است و امکان ندارد هویت اسلامی مسلمین، بدون پایبندی به احکام قرآن و سنت نبوی حفظ شوند. به همین دلیل، او تمام جوش‌ها و حرکت‌ها را به سمتی هدایت کرد که بر ایمان و پارسایی اتکا داشت و همین امر پایه گذار حرکت زنده و جاویدی در تاریخ شد و از این روی، لازم است ارزش‌های نهضت امام را برای تقویت یا تحصیل کرامت انسان‌ها به جهان انتقال دهیم. البته نباید فراموش کرد که امام این تحول را با تزکیه درونی، با تکیه بر قدرت الهی، زیستن با عموم مردم و انس با محرومین صالح آغاز کرد و با همین شروع ارزشمند طاغوت را درهم شکست، استکبار را در هراس عمیق فرو برد و جهان غرب را تکان داد و از همان مکان ساده‌ای که در قم و جماران در

۱. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۹۲۹، ذیل کرامات و کرامت.

۲. لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۱۸۲۲۸-۱۸۲۲۹.

آن می زیست، قدرت های مهم جهان را به چالش کشید.

ریشه ها و میوه های کرامت

کرامت همان پاکی از هر گونه پستی و فرومایگی است و در مقابل فرد کریم، دنی وجود دارد. کسی که می خواهد به مقام مکرمین دست یابد، از اعتبارات دنیایی فراتر می رود. به اعتلا گرایش دارد و کرامتی که به سوی مسیر حق می رود، بر تقوا و پارسایی متکی است و به عنوان کمالی نفسانی، بدون علم و عمل کامل نمی شود. بنابراین مقدمات آن مبتنی بر معرفت و کرداری صالح است. خداوند وقتی از این دو عنصر سخن می گوید، یکی را به عنوان راهنما و دیگری را به صورت دستیار معرفی می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۳ کلم طیب همان نیت پاک، اعتقاد درست، باور ژرف و معرفت اصولی است که به جانب حق در حال صعود و ارتقا است و عمل صالح در این ترقی و تعالی معرفت را یاری می کند. البته دانش و بینشی در این زمینه کارساز خواهد بود که میوه اش اخلاص است و تقوا و کرامت را به دنبال دارد.

خداوند به گونه ای انسان ها را خلق کرده که هم راه تقوا را می شناسند و هم طریق فجور را: «فَالْهَمَّا فُجُورَهَا وَتَقْوِيهَا»^۴. انسان وقتی به تقوا رسید، کرامت را در آغوش می گیرد؛ چنان که قرآن می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ»^۵؛ یعنی انسان تقی، در محور کرامت قرار می گیرد.

انسان دلباخته دناست، در مدرسه تکریم پذیرفته نمی شود. از این روی، حضرت علی (ع) فرموده اند: «وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنَّ سَأَقْتَكِ التِّي الرَّغَائِبِ»^۶ یعنی روح خود را از هر گونه پستی گرامی بدار؛ اگر چه بر حسب ظاهر تو را به سوی اموری مرغوب می کشاند. کسی که به امور فرومایه روی می آورد، نه تنها چیزی نصیب خود نمی کند، بلکه از جان و روح و سرمایه های عظیم درونی خود مایه گذاشت و کالایی بسیار نازل دریافت کرده است. انسان کریم آزادگی دارد، بنده هیچ کس جز خدای خویش نیست، آنچه با گوهر ذاتش بیگانه است، به بوستان وجودش راه نمی دهد، از بند تمام دشمنان درونی و بیرونی رها شده و با سرشتی عالمانه و روحی کریمانه و آزاده به سوی فضایل قدم بر می دارد. قرآن فرموده است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۷؛ یعنی خداوند بنی آدم را بر سایر مخلوقات برتری داده است و این نکته مؤید آن است که پروردگار متعال به انسان ها عنایت افزون تر و ویژه ای دارد، اما آنان این لطف را همچون دیگر نعمت های الهی به بوته فراموشی و غفلت می سپارند. از این آیه استنباط می شود که هر کمالی که در سایر موجودات

هست، حدّ اعلاّی آن در آدمی وجود دارد و این کرامت، هم یک وجه عمومی و کلی دارد که شامل همه انسان هاست و هم فضایل روحی و معنوی و ویژه ای که به پاره ای اختصاص یافته است. از این رو، حتی انسان های مشرک، کافر و فاسق از کرامت الهی برخوردار بوده اند، ولی چنین گوهری را کفران کرده و به سوی پستی ها سوق یافته و اصالت و هویت اصیل خویش را که هدیه ای الهی است، به پای امور فناپذیر، فاقد ارزش و بسیار پست، ذبح کرده اند.

انسان با عنایت به چنین سرمایه معنوی و فضیلت ملکوتی، می تواند در تمام وجوه زندگی قدم های بزرگی به سوی کمال بردارد و این خصیصه است که او را در میان سایر موجودات ممتاز می کند؛ ویژگی نابی که می تواند به کمک آن حق را از باطل، خیر را از شر، سود را از زیان تفکیک کند. خردمندی، نطق و بیان، استخدام سایر مخلوقات و دانش هایی که به وسیله آن انسان به ترقی و توسعه و اختراع ابزارها و امکاناتی می رسد، شاخه هایی از این شجره مبارک هستند.^۸

افرادی که از کرامتی آسمانی برخوردارند، در محفل های گناه حاضر نمی شوند و از بدی ها و امور بیهوده کریمانه عبور می کنند: «وَ إِذَا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۹ و اگر هم در صدد حذف فساد از جامعه باشند، کریمانه این کار را انجام می دهند: «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^{۱۰}. آنان به برکت پارسایی، قدرت تشخیص بین حق و باطل را به دست می آورند: «إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^{۱۱}. انسانی که چنین معرفتی دارد، زیبایی حقایق را مشاهده می کند و از زشتی باطل آگاه است و کرامت نیز این گونه است: و نیروی معنوی آن موجب شرح صدر می گردد و تقوا طاق را افزایش می دهد.

راه و خصال بزرگواران

خداوند زمینه هایی را در درون و برون انسان ها فراهم کرده تا با آنها بتوانند به گوهر عزت، بزرگواری و کرامت دست یابند.

۳. فاطر / ۱۰.
۴. شمس / ۸.
۵. حجرات / ۱۳.
۶. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۳۱.
۷. اسراء / ۷۰.
۸. ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، ذیل تفسیر آیات ۶۶ تا ۷۶ سوره اسراء.
۹. فرقان / ۷۲.
۱۰. مؤمنون / ۳.
۱۱. انفال / ۲۹.

فطرت حق جوایی و سرشت نیک خواهی، بینش درست و گرایش به خوبی‌ها، حجت‌های باطنی آدمی هستند. این ویژگی که بشر را به سوی دیانت، فضیلت و کرامت سوق می‌دهد، در طول تاریخ در نهان تمام انسان‌ها بوده است و هیچ کس فاقد این سرمایه‌های درونی نیست: «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم»^{۱۲} پس انسان به طور ذاتی مستعد کمال و کرامت است، اما باید با پارسایی آن را شکوفا کند و به فعلیت برساند. بعثت انبیا برای تعلیم کرامت است؛ همان گونه که رسالت خاتم انبیا برای تتمیم مکارم اخلاقی است^{۱۳} و فرستادگان الهی به عنوان معلمان مدرسه بزرگوار، زمینه‌های بیرونی تحقق چنین خصلتی را فراهم می‌سازند.

بنابراین تمام علل، لوازم و مبادی برای نایل شدن به این صفت وجود دارند و اینها خود شاهد قطعی هستند بر اینکه خداوند متعال می‌خواهد انسان‌ها را به مقامات بالای معنوی که برتر از رتبه فرشتگان است، برساند و چون دین اسلام کامل‌ترین آیین است، تعلیمات آن قادر است آدمی را به عالی‌ترین درجه کرامت سوق دهد.

«احسن المخلوقين» بودن انسان هم این واقعیت را به اثبات می‌رساند که او جامع کمالات است؛ زیرا خداوند از روح خویش در وجودش دمیده: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي»^{۱۴} و خداوند در آفرینش هیچ موجودی جز انسان نرمود: «فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^{۱۵} پیمودن راه بزرگوار، اگر چه توأم با سختی‌ها و مشکلات است، ولی اجباری نیست: «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ»^{۱۶}. ولی وقتی راه مزبور را برگزید، باید با گرفتاری‌ها و ناملازمات به مبارزه برخیزد و این عزت پایدار و جاویدان را با تحمل رنج و مشقت به دست آورد. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «المكارم بالمكاره»^{۱۷}.

مسافر مسیر کرامت، به سوی مقصدی مقدس و جاوید در حرکت است و این هجرت با ناگواری‌هایی توأم است: «يا ايها الانسان انك كادح ربك كدحا فملاقي»^{۱۸}. اما آن که در محوری درست حرکت می‌کند و زاد و توشه تقوا را با خود آورده است، در تنگنا قرار نمی‌گیرد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^{۱۹} اگر انسان کرامت را در آغوش بکشد، دیگر در مسیر زندگی دچار افسردگی و نگرانی نخواهد شد و آنچه را فناناپذیر است، به خود اختصاص خواهد داد. «ما عندكم ينفد وما عند الله باق»^{۲۰}. او هرگز غصه دنیا و مسائل مربوطه به آن را نمی‌خورد، چنان که حضرت علی (ع) تذکر داده‌اند: «مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَنَةِ»^{۲۱}.

انسان‌های کریم حیثیت فردی و اجتماعی را با امکاناتی که

در اختیار دارند، صیانت می‌کنند و می‌دانند اگر عکس آن عمل کنند، یعنی امتیازات مادی و رفاهی را به وسیله آبروی خویش حفظ کند، نه تنها از کرامت بهره‌ای ندارند، بلکه این کار عین لثامت است و این سخن حضرت علی (ع) است که فرموده‌اند: «الكَرَمُ آيْشَارُ الْعَرَضِ عَلَى الْمَالِ»^{۲۲}. اهل کرامت همتی والا دارند، چنان که علی (ع) فرمود: «الكرَمُ نَتِيْجَةُ عُلُوِّ الْهَمِّ»^{۲۳}. اراده قوی، مختص بزرگواران است و روحشان چنان قدرتی معنوی دارد که بدن‌های آنان تحت اراده آن است. امام صادق (ع) چنین گوهر افشانی کرده‌اند: «مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيَتْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ»^{۲۴}.

روح کریم در حوادث ناگوار، صحنه‌ها را ترک نمی‌کند، بلکه با مشکلات و مشقات می‌سازد و آنها را پشت سر می‌گذارد تا به مقامات معنوی دیگری برسد. کریم و اهل کرامت از حرام الهی اجتناب می‌کند و صف خود را از خلفا کاران و معصیت کاران جدا می‌سازد: «الكَرِيمُ مَنْ تَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَ تَزَوَّاهُ عَنِ الْعُيُوبِ»^{۲۵}.

کرامت، راستی و صداقت می‌آورد امیر مؤمنان (ع) فرموده‌اند: «الصادق علی شفا منجاة و کرامة و الکاذب علی شرف مهواة و مهانة»^{۲۶} یعنی راستگو در مسیر نجات و بزرگواری و دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است. آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: پست‌های مهم را به کسانی بسپار که موقعیت و مقام و ارجمندی آنها را مغرور نسازد.^{۲۷}

عظمت خدا در چنین افرادی چنان جلوه کرده که غیر او در نظرشان خوار و حقیر است: «عَظَمَ الْخَلْقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا

۱۲. روم/ ۳۰.

۱۳. «أَمَّا بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ». بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۱۴. حجر/ ۲۹.

۱۵. مؤمنون/ ۱۴.

۱۶. کهف/ ۲۹.

۱۷. غرر الحکم، آمدی، ج ۱، ص ۱۹، حدیث ش ۴۳.

۱۸. انشقاق/ ۶.

۱۹. طلاق/ ۲.

۲۰. نحل/ ۶۹.

۲۱. غرر الحکم، ج ۵، ص ۴۵۱، حدیث ۹۱۳۰، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴.

۲۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۹، حدیث ۱۳۲۳.

۲۳. همان، ص ۳۸۳، حدیث ۱۴۷۷.

۲۴. من لایحضره الفقیه، ج ۴ ص ۴۰۰.

۲۵. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱، حدیث ۱۵۵۵.

۲۶. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۲۷. همان، نامه ۵۳.

دُوْنَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^{۲۸} و چون در وجه الله به سر می‌برند و با حق مرتبط شده‌اند، نام و یادشان باقی است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»^{۲۹}. از این جهت، حضرت علی (ع) علمای راستین را که در وجه الله بوده‌اند، این گونه توصیف کرده‌اند: «الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ». این گونه انسان‌ها نزد خدا شادمان و مسرورند و در نوعی آرامش روانی و امنیت درونی به سر می‌برند: «الْكَرِيمُ عِنْدَ اللَّهِ مَجْبُورٌ مُثَابٌ»^{۳۰}. دنیاطلبی، تکاثر خواهی، جهالت، غفلت و طغیان می‌توانند از موانع جدی رسیدن به کرامت باشند.

بذره‌های عظمت

بزرگان و نامورانی چون حضرت ابراهیم (ع) در کشاکش حوادث سهمگین، مصائب فرساینده و برخلاف نقشه‌های کفار و مشرکین برای اعاده کرامت به آدمیان، شجره خبیث شیطانی را مورد هدف قرار دادند. حضرت موسی و عیسی برای نیل انسان‌ها به شرافت و بزرگواری و گام نهادن در طریق حق دمی فرو ننشستند. رسول اکرم (ص) برای رهایی قافله انسانیت از توفان ضلالت و موج‌های انحراف، با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود کوشید تا نسل خوبان و پاکان را بر رفیع‌ترین قله‌های کرامت و رستگاری مستقر سازد.

در این میان، انسانی از سلاله انبیا که بحق‌نارالله، وارث کشتی نوح، حامل تبر ابراهیم، صاحب عصای موسی، مسلح به دم عیسوی و مفسر با فراست قرآن و سنت جدش خاتم پیامبران بود، در مقابل جرثومه‌های ستم، طغیان و تباهی، قیام بحق کرد و خروشید؛ همو که تولدش طلوع شمس فداکاری بود و شهادتش معیار تشخیص حق از باطل.

از همین نسل رادمردی چون امام خمینی ظهور کرد؛ انسانی شگرف و با صلابت همچون اجداد پاکش، دل‌های کویرگونه آدمیان را از معرفت و معنویت سیراب ساخت و نکه‌ت گلوآزه‌های کلام و عطر جان بخش پیام‌های او در صحرائی وجود انسان‌ها تحولی بزرگ به وجود آورد.

آن قله استوار ایمان و عرفان با شجاعت معنوی، چنان موضعی را در دفاع از اسلام و مسلمین اتخاذ کرد که دنیا در مقابلش متحیر ماند: «و با ید بیضای موسوی و بیان مصطفوی به نجات مظلومان کمر همت بست، نخست فرعون‌های زمان را لرزاند و دل محرومان را به نور امید روشن ساخت، به انسان‌ها کرامت، به مؤمنان عزت و به مسلمانان قوت و شوکت و به دنیای مادی و بی‌روح، معنویت و به جهان اسلام حرکت و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل الله، شجاعت و شهادت داد.

اوبت‌ها را شکست و باورهای شرکت‌آلود را زدود»^{۲۲}.
به فرمایش مقام معظم رهبری: «بر اثر نهضت امام، مسلمانان در همه جای عالم احساس عزت کردند. مسلمانی از یکی از کشورهای بزرگی که در آن مسلمین در اقلیت هستند، به من گفت: قبل از انقلاب اسلامی، ما اسلام و مسلمانی خودمان را هرگز به زبان نمی‌آوردیم و اظهار نمی‌کردیم، اما بعد از انقلاب، مردم ما با افتخار اسلام و مسلمانی خودشان را می‌گویند.

اکنون مسلمانان در همه جای دنیا احساس عزت کرده و به مسلمانی خود افتخار می‌کنند. قبل از این مسلمانان در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برای مسلمین عالم مطرح نبود یا جدی نبود؛ امروز مسلمانان در اقصی نقاط آسیا تا قلب آفریقا و در تمام خاورمیانه، در اروپا و آمریکا، همه احساس می‌کنند که جزء یک جامعه جهانی بزرگ هستند؛ یعنی جزء امت اسلامی هستند. این احساس شعور به امت اسلامی را امام خمینی در دنیا به وجود آورد و این بزرگ‌ترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است»^{۲۳}.

ایشان در جای دیگر یادآور می‌شود: «امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام، جمعیتی و گروهی به انگیزه آزادی خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنای قاعده کارشان، امیدشان و رکنشان، تفکر اسلامی است و نهضت جهانی اسلام به برکت امام عزیز به راه افتاده است»^{۲۴}.

و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ای درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه جا و همه کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد»^{۲۵}.

به باور مقام معظم رهبری، این نهال طیب اسلامی به وسیله آن دست ملکوتی و معنوی در سرزمین فطرت انسان غرس شده و عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده که باید آن را عصر امام خمینی نامید و بیداری، جرئت، اعتماد به نفس ملت‌ها در

۲۸. همان، خطبه ۱۸۴.

۲۹. الرحمن/ ۲۶-۲۷.

۳۰. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹.

۳۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۵۱، حدیث ۲۱۴۶.

۳۲. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات، ۲۴ تیر ۱۳۶۸.

۳۳. سخن آفتاب، به کوشش معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۳۴. همان، ص ۱۳۷؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ تیر ۱۳۶۸.

۳۵. قسمتی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت رحلت امام، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹.

اسلامی و کشورهای خود باشند و این عزیزان اند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملت‌ها مرهون زحمات آنان است.^{۴۴}

امام عید مسلمین را هنگامی مبارک می‌دانست که آنان، استقلال و مجد خویش را به دست آورند:

مبارک روزی است که دست اجانب از ممالک اسلامی کوتاه شود و مسلمین روی پای خودشان بایستند و امور مملکت خودشان را به دست بیاورند.^{۴۵}

پناه به پگاه شرافت

امام مدام هشدار می‌دادند که اگر مردم مسلمان به تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن تکیه کنند و احکام این کتاب مقدس را به کار بندند، آن گاه عزت و کرامت را به خود اختصاص می‌دهند و مرعوب استکبار و مقهور ابرقدرت‌ها نمی‌شوند و فریب نقشه‌های شیطانی دولت‌های سلطه‌گر را نمی‌خورند. او قرآن و فرهنگ اسلامی را محرک و بیدار کننده انسان‌ها و عاملی برای اعتراض علیه متجاوزان می‌دانست و خاطر نشان می‌ساخت:

حیات و عظمت مسلمانان در اعصار قبل، به دلیل عمل به قرآن، و سستی کنونی آنان در جدایی از این کتاب شریف است و اگر تجدید حیات معنوی را خواستارند، باید به سوی قرآن بازگردند.^{۴۶}

او دردمندانه نوشت: «هان ای ملت غیور قرآن، دست تبهکاران را کوتاه کنید و قلم جنایتکاران را بشکنید تا تاج کرامت و شرف شما که قرآن است، برقرار بماند».^{۴۷}

به باور آن روح قدسی، وقتی مسلمانان به قرآن پناه آورند، بیگانگان جرئت نخواهند کرد مفاخر اسلامی، هویت دینی و ارزش‌های الهی را که مورد اتفاق مسلمانان است، هتک کنند.

۳۶. سخن آفتاب، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۳۷. همان، ص ۱۹۷-۱۹۶.

۳۸. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۴۴.

۳۹. همان، ص ۵۹-۶۰.

۴۰. آل عمران/ ۱۰۳.

۴۱. اشاره دارد به آیه ۱۸ از سوره منافقون: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ».

۴۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۴۳. همان، ص ۱۸۶.

۴۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۸.

۴۵. همان، ج ۱۰، ص ۴۱۴.

۴۶. «قرآن در سیره و سخن و اندیشه امام خمینی». مقاله نگارنده در فصلنامه نور مبین، سال اول بهار ۱۳۴۸. شماره ۱، ص ۶۲-۶۳.

۴۷. کشف اسرار، امام خمینی، قطع جیبی، قم، پیام اسلام، ص ۸۰.

برابر ابرقدرت‌ها، شکستن قدرت‌های ظالمانه، بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر بر آوردن ارزش‌های معنوی از ویژگی‌های آن است. او بود که این فضا را پدید آورد و ارزش‌های اسلامی را از انزوای خارج کرد و مس وجود مسلمانان را به طلا مبدل ساخت.^{۴۸}

ایشان عقیده دارد: «یکی از مشخصه‌های عصر جدیدی که امام به وجود آورد، این احترام به حقوق انسان‌ها، احترام به حقوق ملت، احترام به نیازهای مردم، به انگیزه‌های مخلصانه طبقات مستضعف و فقیر جامعه است که بارها بر روی آن تکیه می‌کردند».^{۴۹}

البته امام خمینی عزت و عظمت مسلمین را در گرو نفوذ معنوی فرهنگ اسلامی در میان آنان تلقی می‌کرد و عقیده داشت که در پرتو این خصلت، مسلمانان می‌توانند به قله بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود کنند و با شجاعت و شهامت کم نظیر، بر کفر جهانی بتازند و قدرت‌های بزرگ از این نیروی روحانی غافلند.^{۴۸}

امام بارها اصرار می‌کرد که همه باید خدمتگزار مردم باشند و با وجود اینکه قدرت‌ها می‌خواستند نهضت او را منزوی کنند، حرکت مقدسش که از روی اخلاص بود، در تمام دنیا مطرح شد و مسلمین به همراه او به پا خاستند؛ زیرا او می‌خواست جهان اسلام را به این حقیقت توجه دهد که عزت و صلابت و کرامت در نوکری برای امریکا و صهیونیست‌ها نیست، و سروری در اسلام و حول بیرق الهی جمع شدن است.^{۴۹}

امام در پیامی فریاد زد: «هان ای مسلمین از هر تیره و پیرو هر مذهب که هستید، دشمنی خانگی را کنار بگذارید و به فرمان قرآن کریم و خدای بزرگ گردن نهید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»^{۴۰}. خداوند تعالی عزت را برای خود و رسول عظیم الشان خود و مؤمنین قرار داده^{۴۱} است».^{۴۲}

آری، اگر مسلمانان خالصانه رفتار کنند و ارزش‌های الهی را در نظر گیرند، به قدرت لایزال الهی مرتبط می‌شوند و به اقتدار دست می‌یابند. امام تأکید داشت که اگر مسلمین روی پای خود بایستند و بکوشند و قبل از هر پیشرفتی در انسانیت ترقی کنند، در این صورت خداوند به یاری آنان خواهد آمد و با پیش گرفتن این مشی می‌توانند استقلال، آزادی و آیین خود را حفظ کنند.^{۴۳} ایشان در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا متذکر شدند:

نسل حاضر و نسل‌های آینده، سرمایه‌های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینان اند که با تعهد و صلاح، استقامت و پایداری، می‌توانند کشتی نجات امت

امام عقیده داشت مسئولیت پاسداری از قوانین الهی و عمل به قرآن کریم تنها راه بازیابی عظمت، عزت و شکوه پیشین اسلامی و مسلمین و زداینده هر گونه استعمار است.^{۴۸}

ایشان راه‌هایی از قدرت‌های شیطانی را این چنین نشان داده‌اند: «مسلمین که در آستانه این قرن دردهای جانفرسای خود را یافته و از قدرت‌های شیطانی جز گرفتاری‌های گوناگون و چپاولگری‌ها و جنایات چیزی ندیده‌اند، باید با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولت‌ها، اگر ملی هستند، کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از روحی الهی می‌باشد بشناسند و بشناسانند.»^{۴۹}

امام در توصیه به جوانان مسلمان اصرار داشت در تحقیق و بررسی حقایق اسلامی در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن، اصالت‌های اسلامی را در نظر گیرند و امتیازاتی را که آیین مزبور را از دیگر مکاتب جدا می‌سازد، فراموش نکنند و هشدار داده که مبدا قرآن مقدس و تعلیمات نجات بخش اسلامی را با مکتب‌های غلط و منحرف کننده که از فکر بشر تراوش کرد، مخلوط کنند.^{۵۰} تقاضای مکرر امام بر این اصل استوار بود که اگر مسلمانان می‌خواهند بیدار شوند و بر مشکلات خود غلبه کنند، باید اسلام را آن گونه که هست، بدون تحریف و اعوجاج، اجرا کنند، همان گونه که در صدر اسلام مسلمین چنین کردند و مجد و عزت را به دست آوردند.^{۵۱}

امام گرچه رعایت آداب و رسوم اسلامی، سنت‌های مذهبی و در یک کلام شعارهای دینی را در جوامع اسلامی امری ضروری می‌دانست، اما آن را کافی تلقی نمی‌کرد و می‌فرمود باید به سوی شعور و درک عمق گام برداشت؛ زیرا این دو لازم و ملزوم هم و تفکیک ناپذیرند:

من امیدوارم که مسلمین و خصوصاً سران مسلمین از شعار به اسلام، دست بردارند و به اسلام به حسب آنچه که هست، فکر کنند و عمل کنند. تا کنون گرفتاری مسلمین و ملت‌های مظلوم اسلامی این بوده که سران آنها به شعارهای اسلامی اکتفا می‌کردند و در پوشش شعار مقاصد دیگری داشتند، اجرا می‌کردند و من امیدوارم که ملت‌های اسلامی و خصوصاً دولت‌ها، این‌ها از این شعار منتقل بشوند به شعور و عمل به اسلام و قرآن کریم.^{۵۲}

اصولاً امام در تأکیدهای مکرر خویش از مسلمین می‌خواهد

به دستورهای دینی عمل کنند و اگر بخواهند استقلال واقعی را به دست آورند، باید در صحنه‌ها حضور یابند؛ همان طور که ملت ایران در طلیعه آنان علمای مسلمان این گونه بوده‌اند. بی تفاوتی به ارزش‌های اسلامی و مسائل اجتماعی مسلمانان، آفت خطرناکی است که راه نفوذ ابرقدرت‌ها را به سرزمین‌های مسلمان هموار می‌کند، گرفتاری‌ها را افزایش می‌دهد و با تلقینات و تبلیغات دروغین ایادی استکبار، مردم مسلمان هویت و فرهنگ ارزشمند خویش را فراموش می‌کنند.^{۵۳} امام می‌فرماید اگر مسلمانان به عمل روی نیاورند و به مشکلات خود فکر نکنند، نمی‌توانند عزت را به خود اختصاص دهند:

... تا فکر نکنند بر بدبختی‌های ملت‌های اسلام ... غربت اسلام و قرآن کریم، سیادت نمی‌تواند بکنند. باید فکر کنند، عمل کنند تا سیادت کنند و اگر این مطلب را انجام بدهند، سید دنیا خواهند شد. اگر اسلام را آن طوری که هست، به دنیا معرفی کنند و آن طوری که هست، عمل بکنند، سیادت با شماست، بزرگی با شماست.^{۵۴}

بدیهی است اگر قوانین اسلامی در جامعه پیاده شود و نظام سیاسی، مناسبات اجتماعی و روابط انسان‌ها بر اساس موازین قرآنی سامان یابد، دیگر پراکندگی وجود نخواهد داشت و چنان تألیف قلوب و انسجام و وفاق ملی پدید می‌آید که ابرقدرت‌ها با هیچ توطئه‌ای نمی‌توانند تلاطم فکری و سیاسی ایجاد کنند:

اگر اسلام پیاده شود، همان برادری و همان برابری که در صدر اسلام بود و همان قطع‌ایادی ظلمه که در آن وقت بود، ان شاءالله بر قرار می‌شود.^{۵۵}

امام در جای دیگر یادآور می‌شود:

اسلام تنها پناهگاه همه ما است و در زیر پرچم پر افتخار آن همه گروه‌ها به حقوق خود می‌رسند.^{۵۶}

اگر ملت‌های مسلمان همت ورزند و حق را در جامعه

۴۸. «قرآن در سیره و سخن امام خمینی»، همان مآخذ، ص ۴۶؛ کتاب خمینی و جنبش، ص ۸۲.
 ۴۹. تبیان، دفتر نوزدهم، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، ص ۲۸.
 ۵۰. همان، ص ۴۸-۴۹.
 ۵۱. در جستجوی راه از کلام امام، همان، ص ۱۵۳-۱۵۴.
 ۵۲. همان، ص ۱۸۰.
 ۵۳. همان، ص ۱۹۳-۱۹۴.
 ۵۴. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۵.
 ۵۵. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۰۶ به نقل از کتاب روح خدا.
 ۵۶. همان، ص ۱۰۷.

خودشان محقق سازند، دیگر جایی و مجالی برای باطل وجود نخواهد داشت:

آمدن حق، شعار نیست؛ آمدن حق، عمل است. آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات، اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام الهی است و اگر چنانچه احکام الهی در یک ملت پیاده شود، باطل از آن ملت کوچ می‌کند و اگر در همه ملت‌های اسلامی، احکام الهی - اخلاقی که سفارش شده است. اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود، خود به خود باطل زاهق می‌شود... [عموم مسلمانان] مفاد آیه شریف جاء الحق...^{۵۷} را محقق کنند، تا باطل خود به خود از بین برود...

امام می‌افزاید:

شرط عمده، پایداری ما درباره حق است... ما که مدعی هستیم که اهل حق هستیم و مسلمانان که... قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبله آنهاست، کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اند، باید در حق خودشان مجتمع باشند... من امید آن دارم که ملت‌ها به سرعت رو به حق بروند... تا باطل‌ها را به سرعت عقب بنشانند...^{۵۸}

امام رمز پیروزی را در همه جوانب این می‌داند که ملل اسلامی به پاخیزند و تابع قرآن بشوند. به عقیده او ارزش مسلمانان، در عمل به دستورهای اسلام است:

همه مسلمین در نظر ما اگر چنانچه به احکام اسلام عمل بکنند، عزیزند. ملت اسلام را، ترکش باشد، عربش باشد، عجمش، از آفریقا باشد، از آمریکا باشد، از هر جا می‌خواهد باشد، عزیز می‌داریم.^{۵۹}

رمز اقتدار جهان اسلام

قرآن می‌فرماید: «اتّما المؤمنون أخوة فاصلحوا بینهن أخویکم».^{۶۰} این کلام الهی بر وحدت و اصلاح میان برادران مسلمان تأکید دارد. امام خمینی که یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین منادیان اتحاد و همبستگی جوامع اسلامی بودند، وحدت را عامل اساسی اقتدار جهان اسلام معرفی می‌کند.

از نظر ایشان از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، توحید کلمه و عقیده بود که وسیله‌ای مهم برای تشکیل مدینه فاضله و نیروی بازدارنده از تعدیات ظالمانه است و این مهم جز در سایه وحدت نفوس، اتحاد همت‌ها، اُلفت و اخوت، صداقت قلبی، صفای باطنی و ظاهری، امنیت روانی و سیاسی و توسعه و تعالی در پرتو آن پدید نمی‌آید. در صدر اسلام این اخوت

اسلامی موجب شد تا در اندک زمانی، جمعیتی کم بر سلطنت‌های بزرگ آن روز از جمله ایران و روم استیلا یابد. امام افراد جامعه را به قطراتی تشبیه می‌کند که اگر از هم جدا باشند، با وجود کثرت و فراوانی، نمی‌توانند کاری انجام دهند، اما در صورتی که به هم پیوندند، قادر خواهند بود رودی خروشان را تشکیل دهند:

هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهان‌خوران از شما ببرد و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود و به زندگی شرافتمندانه و ارزش‌های انسانی برسید و از این زندگی ننگین... رهایی یابید.^{۶۱}

به باور امام اخوت و اتحادی که خمیرمایه آن را ایمان و انگیزه‌های خالصانه و الهی تشکیل دهد، قدرت معنوی و مادی را به وجود می‌آورد:

ممالک اسلامی با این مخازن که دارند، اگر آن طوری که خدا فرموده است، نسبت به یکدیگر اخوت داشته باشند، نه در اقتصاد به کسی احتیاج دارند و نه در فرهنگ و سایر جهات. شما دیدید که ملت ما با این که از نظر تجهیزات نظامی هیچ نداشت، ولی چون به قدرت اسلامی متکی بود، هیچ نیرویی نتوانست جلوی او را بگیرد. از این رو، اگر تمام مسلمین با هم متعهد شوند، قدرتی خواهند بود که هیچ قدرتی در مقابل آنها نمی‌تواند ایستادگی کند.^{۶۲} این دست نیازی که کشورهای مسلمان به سوی اجانب و استکبار دراز کرده‌اند و نیز یورش ابرقدرت‌ها به قلمرو مسلمین، به دلیل نبود اتحاد است و امام متذکر می‌شود که در صورت وجود اخوت اسلامی، مسلمانان به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌رسند:

اگر این دولت‌های اسلامی که همه چیز دارند، با هم اتحاد پیدا کنند، در سایه اتحاد احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند، بلکه آنها به اینها محتاج هستند. اگر مسلمین با هم آن پیوند اخوتی که خدای تبارک و تعالی در

۵۷. اشاره دارد به بخشی از آیه ۸۱ سوره بنی اسرائیل (اسراء): «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا»؛ حق آمد و باطل نابود شد. به درستی که باطل لایق محو (ابدی) است.

۵۸. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۵۹. تبیان، دفتر نوزدهم، ص ۲۹.

۶۰. حجرات/ ۱۰.

۶۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم ص ۱۹۱.

۶۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۵۰.

... اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»^{۶۸} اگر به همین یک امر و هی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آنها مقابله کند، لکن مع الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تعامل بعضی، از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری های بیشتر داشته باشند»^{۶۹}.

اگرچه وحدت خود وسیله ای برای عزت، عظمت و اقتدار جهان اسلام به شمار می رود، اما خود نیز به عوامل، اسباب و مقدماتی نیاز دارد که امام آنها را مورد توجه قرار داده اند. یکی از مهم ترین این عوامل اتکال به خدا و عامل دوم اسلام است که وجه مشترک تمام مسلمانان و سعادت آنان را تأمین می کند. انسان مؤمن، لطف، رحمت و نعمت الهی را به سوی خویش جلب می کند و با انجام دادن تکالیف الهی و ادای مسئولیت، دچار تحوّل معنوی می شود. البته بدون اراده الهی پیروزی میسر نخواهد شد و تأییدات خداوند توطئه فتنه انگیزان را نقش بر آب می کند. عوامل بسیاری را برای تقویت وحدت کلمه می توان برشمرد که از آن جمله است اجتماعات مذهبی چون نماز جمعه و جماعات، فریضه حج، ضیافت الله، رهبری سالم و صالح، اصلاح ساختارهای اداری و سیاسی، مجالس محرم و صفر و تکریم و تعظیم سایر شعائر مذهبی^{۷۰}.

باران بیداری

جهان اسلام از نظر امکانات فکری، فرهنگی و مادی در سطح بالایی قرار دارد و ذخایر معنوی و اشتراکات مقدس توان مسلمانان را ارتقا می دهد. به علاوه، آنان در نواحی سوق الجیشی قرار گرفته اند و از منابع خداداد طبیعی بسیاری

قرآن کریم فرموده است، حفظ کنند و ایجاد کنند، نه افغانستان مورد هجوم واقع می شود و نه فلسطین مورد حمله واقع می شود و نه سایر کشورها. احتیاج وقتی پیدا می شود که متفرق باشند. چرا باید کشورها که یک همچو پشتوانه عظیمی دارند و آن قرآن کریم و اسلام عزیز و خدای بزرگ است، چرا باید همچو پشتوانه ای که آنها را دائم دعوت می کند به وحدت، تفرقه می اندازند.^{۶۳}

ملل مسلمانان در صورت اتحاد و اتفاق از هر گونه آسیبی مصون می ماند و به کرامت و شرافت معنوی و اقتدار سیاسی دست می یابند:

«برای همه مسلمین، پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و جمعیتی عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، اگر چنانچه متحد شوند، هیچ یک از ابرقدرت ها، قدرت این که به آنها تجاوز کنند، ندارند»^{۶۴}.

امام در جای دیگر فرموده اند:

شما با داشتن ذخایر مادی که از حساب افزون است و از همه آنها مهم تر ذخیره های الهی و معنوی که اسلام است، می توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت کنند.^{۶۵}

او دلسوزانه توصیه کرد:

مسلمین باید با هم یه واحد باشند، خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدایی قلب ها ندانند... مسلمین دارای قدرت بسیار هستند و دارای خزائن بسیار، اگر چنانچه با هم باشند و با هم اتحاد پیدا کنند (ضمن) حفظ مرزهای خودشان، آنها جمعیت بسیار کثیری هستند، خزائن بسیاری دارند و احتیاج به هیچ کشوری ندارند»^{۶۶}.

امام اتحاد را وظیفه تمام مسلمانان می داند و سخنان ایشان مضمون این روایت است که: «المسلمون یه واحد علی من سواهم یسعی بدمتهم ادفاهم»^{۶۷}؛ مسلمانان به مثابه یک دست اند که در مقابل هر که جز آن است، برافراشته و همه در مسئولیت عمومی یکسان اند». امام هر گونه امتیاز، نژاد و عاملی را که این وفاق را بر هم می زند، مطرود اعلام می دارد و استقلال حقیقی را در گروه وحدت کلمه می داند.

به عقیده او تنها با عمل به یک امر و نهی قرآن، تمام مشکلات مسلمانان حل می شود:

۶۳. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۸۹-۱۹۰.
 ۶۴. مصاحبه روزنامه لبنانی النهار با امام خمینی در ۲۰ آبان ۱۳۵۷، همان، ص ۱۴۶.
 ۶۵. گفتگوی خبرنگار لبنانی روزنامه السفیر با امام در دوم آذر ۱۳۵۷، همان، ص ۱۴۷.
 ۶۶. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۰۵.
 ۶۷. بحار الانور، ج ۲۸، ص ۲۰۴.
 ۶۸. آل عمران / ۱۰۳.
 ۶۹. تبیان، همان دفتر، ص ۳۵.
 ۷۰. جهان اسلام، مشکلات و راهکارها، گردآورنده سید جلال میر آقایی، ص ۷۹-۸۲.

سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید؟ تا کی به جای مقابله با دشمنان اسلام غفلت نموده (اید)؟^{۷۴} او از جنبش های آزادی بخش می خواهد که ملت مسلمان را به فجایعی که در جهان رخ می دهد، آگاه کنند:

شما ای جنبش های آزادی بخش و ای گروه های در خط به دست آوردن استقلال و آزادی، به پاخیزید و ملت خود و ملل اسلامی را همدار دهید که زیر بار ستم رفتن، بدتر و قبیح تر از ستمکاری است و به دولت ها اخطار کنید و از زبونی و ذلت خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آید و به اخوت اسلام بگرایید.^{۷۵}

امام در جمع نمایندگان سازمان های آزادی بخش جهان یادآور شده است:

کشورهای اسلامی، اگر هم به یک نقطه روی بیاورند و آن نقطه اسلام است، با این جمعیت زیادی که دارند، با این تجهیزاتی که دارند، با این سلاح هایی که در اختیار دارند مثل نفت و غیر نفت، در دنیا به آقایی می رسند. مع الأسف نمی گذارند این طور بشود. باید ملت خود را به یک ملتی که هشیار باشد، برگردانید. امیدوارم که خداوند همه مسلمین را بیدار کند.^{۷۶}

امام وضع مسلمانان را در عصر حاضر با مسلمین صدر اسلام مقایسه می کند و می افزاید: چرا در آغاز رشد و شکوفایی اسلام، دولت اسلامی به تقوی و قدرت دست یافت و اکنون دولت های مسلمان و جمعیت یک میلیاردی مسلمانان با آن همه امکانات مشغول تماشای جنایات صهیونیست در فلسطین و لبنان هستند، و فریاد می زند که مسلمین کی می خواهند از خواب بیدار شوند و مشکلات بین خود را حل کنند؟^{۷۷}

امام توصیه می کند که مبلغان مسلمان، پس از تهذیب نفس و مطالعات و تحقیقات وسیع و برای شناخت احکام اسلام، تضاد اسلام راستین را با حکومت های جائر و دست نشانده استعمار را افشا کنند و اضافه می کند:

۷۱. انفال / ۶۰.

۷۲. ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۳۸.

۷۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۰ و ۴۱.

۷۴. تبیان، دفتر نوزدهم، ص ۲۴.

۷۵. پیام به سازمان های آزادی بخش جهان، ۱۴ دی ۱۳۵۸.

۷۶. همان، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۷۷. سخنرانی در جمع سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید قربان،

۱۰ آبان ۱۳۵۸.

برخوردارند. جمعیت یک و نیم میلیارد نفری آنان نیز، قدرت سیاسی شان را افزایش داده است. فرازهای تاریخی هم مؤید آن است که مسلمانان در ابتکارات علمی، خلاقیت های فکری، فرهنگ و تمدن جامعه بشری و سامان دادن دانش های گوناگون پیشگام بوده اند و مورخان غربی و محققان اروپایی این موفقیت ها را تأیید و به آنها در آثار خویش تصریح کرده اند.

با این همه، جهان اسلام، در فرهنگ و ارزش های بشری زخم های خون چکانی هم دارد و صلیبی ها، مغول ها و سایر مهاجمان بر پیکر این مجموعه ضربه هایی سخت وارد کرده اند. در قرون اخیر نیز استکبار و استعمار چنین تشکلی را نخست تجزیه کرده و سپس به غارت منابع مادی و معنوی آن پرداخته است و ایجاد نزاع های فرقه ای، مرزی و منطقه ای و آتش افروزی در سرزمین های اسلامی مانند: عراق، فلسطین، افغانستان، سودان، و ... از اموری است که جهان اسلام به آن دچار شده است و آگاهی یافتن از این معضلات و تنگناها نیز نیازمند تحوّل فکری، فرهنگی و تبلیغی است. امام خمینی کوشیده است در مناسبت های مختلف برای حفظ کرامت و شرافت و اعاده مجد و عظمت مسلمانان، آنان را به سوی بیداری، خودآگاهی و بازگشت به هویت اصیل سوق دهد:

«آیه و اعدو لهم ما استطعتم من قوة»^{۷۱} دستور می دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند. ما متحد و نیرومند و آماده نبودیم که دستخوش تجاوزات بیگانه شدیم و می شویم و ظلم می بینیم.^{۷۲} امام خمینی مسلمین را به سوی ایجاد تحوّل ژرف در فکر، روح و اخلاق فرا می خواند:

مسلمین باید فکری بکنند که این تحوّل در آنها حاصل بشود، تحوّل از خوف به شجاعت و تحوّل از توجه به دنیا، به ایمان، به خدا. منشأ همه پیروزی ها همین است که ما متحوّل بشویم به یک موجود انسانی و ایمانی که خدای تبارک و تعالی از ما خواسته است و الا گفتگوها و ذکر دردها و گاهی درمان ها و بعد فراموش کردن آنها، نتیجه ای ندارد.^{۷۳}

آن روح قدسی هشدار می دهد:

هان ای مسلمانان جهان، به پاخیزید و مقدرات خود را به دست گیرید تا کی نشسته اید که مقدرات شما را وا شنگتن یا مسکو تعیین کنند؟ تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تقاله های آمریکا و اسرائیل پایکوب شود؟ تا کی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر

کنند و دردهای جانفرسای خود را یافته، به فکر چاره برآیند. ۸۲

همچنین دولت‌های اسلامی را به بیداری توصیه می‌کند: باید دولت‌ها و ملت‌هایی که بیدارند، از مصائب باخیر و با مسلمین متعهد، هم فکر، ملت‌ها را بیدار و دولت‌های دیگر را بیدار کنند. ۸۳

نویدهای امیدوارکننده

اگر چه جهان اسلام دچار مشکلات عدیده‌ای است و با بحران و چالش‌های زیادی روبه‌روست، اما زمینه‌هایی به وجود آمده که امید و اطمینان را افزایش می‌دهد و عزم‌ها و اراده را تقویت می‌کند. آینده‌ای سرشار از پیروزی، رستگاری و پیشرفت و تحقق نویدهایی که قرآن و احادیث بدان‌ها اشاراتی آشکار دارند و نیز ارزش‌های نهفته در روح اسلام که مسلمانان را به سوی کمال، خیر و سعادت سوق می‌دهد، اشتیاق ملت‌های مسلمان به ویژه نسل فرهیخته و متعهد را به توسعه مادی و معنوی امت اسلام برانگیخته است. گویا در دهه‌های اخیر موج بیداری اسلامی در میان ملت‌های خفته روز به روز بیشتر و جریان‌های نواندیش در گوشه و کنار عالم اسلام ظاهر شده که به نظر می‌رسد آن تحول و هوشیاری و بیداری که امام بارها بر آن تأکید می‌کرد، اکنون آغاز شده و گسترش موج بیداری در میان مسلمانان اروپایی و آمریکایی، سردمداران غرب را به وحشت انداخته است. جان اسپوزیتو، استاد دانشگاه اکسفورد، ضمن آنکه این بیداری را خطری برای غرب مطرح می‌کند، اعتراف می‌کند که از الجزایر تا بوسنی و تا آسیای میانه، پاکستان و کشمیر، اسلام همچنان به عنوان یک عامل مهم در سیاست‌های بین‌المللی حضور خود را نشان داده است انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی که بارقه‌ای الهی و ارمغانی آسمانی بود، استکبار را سرگردان کرد و به اعتراف دشمنان، تمام کاخ‌های ستم، تجاوز و استعمار را به لرزه در آورد و منافع زورگویان عالم را به شدت تهدید کرد. ۸۴

چنان که کراراً اعلام خطر کرده‌ام، اگر ملت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند، اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و به پا نخیزند... روزهای سیاه‌تر و نکبت‌باری برای جامعه اسلامی در پیش است و خطر ویران‌کننده‌ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن است... و ملت اسلام و دولت‌های کشورهای اسلامی همیشه خوار و ذلیل و اسیر دست تجاوزکاران بین‌المللی بوده و روی استقلال، آزادی، آسایش و امنیت نییند. ۷۸

امام تأکید می‌کند که منافع تمام کشورهای اسلامی به هم پیوند خورده است و از هم جدا نیستند و هر مشکلی که در گوشه‌ای از جهان پیش می‌آید، برای دیگر مسلمانان هم مطرح است و همه برای رفع گرفتاری‌های جهان اسلام بکوشند. به باور امام تمام مسلمانان باید معضلات را بررسی و برای رفع آنها هم فکری کنند و راه‌های نفوذ ابر قدرت به جهان اسلام را بشناسند:

«ای مسلمانان جهان، شما را چه شد که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت‌های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی ایجاد نمودید؛ اکنون با یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است، در مقابل دشمن این چنین ضعیف و زبون شدید؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید به یک موعظه خداوند گوش فرادهدید، آنجا که می‌فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ... ۷۹... ۸۰ ای مسلمانان عالم، دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ روی آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان پرخاش کنید. مسلمین کی می‌خواهند از این خواب بیدار شوند و کی می‌خواهند که مشکلات خود را رفع کنند؟ امید اینکه بتوانید مجد خودتان را به دست بیاورید. ۸۱

به اعتقاد امام مسلمانان با هوشیاری و بیداری می‌توانند مقدرات خود را به دست پر قدرت خویش پایه‌گذاری کنند. البته صرف بیداری کفایت نمی‌کند و لازم است آنان خود را از قید بندگی غیر خدای متعال که شیاطین جتنی و انسی‌اند، رها کنند و به عبودیت خداوند در آیند و به قدرت لایزال الهی پیوندند. سپس ایشان اظهار امیدواری می‌کند که:

«مسلمانان جهان گرفتاری‌ها و منشأ آن را به درستی بررسی

۷۸. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۳۸-۳۹.

۷۹. سبأ/ ۴۶.

۸۰. در جستجوی راه از کلام امام، همان دفتر، ص ۱۶۴.

۸۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۱۸.

۸۲. همان، ص ۳۹۵.

۸۳. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۷۹.

۸۴. گزیده مقالات فارسی دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت

اسلامی، ص ۲۲۳.

ابعاد این آفت‌ها را بررسی کرده و چند عامل را که به ابهت و خروش و خیزش مسلمانان آسیب وارد ساخته، برشمرده است که در ذیل به آنها اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

۱. غفلت از توانایی‌ها و توطئه‌ها

اگر ثروت‌ها و توانایی‌های مهم و تأثیرگذار مسلمانان، با معنویت و اتحاد توأم شود، قدرتی فوق‌تصور خواهند داشت اما به فرمایش امام:

ملت‌هایی با جمعیتی بسیار انبوه، اراضی بسیار وسیع، ذخائر بسیار گران‌بها، سوابق بسیار درخشان و فرهنگ و قوانین اسلامی تحت اسارت استعمار با گرسنگی، برهنگی، فقر، فلاکت و عقب‌ماندگی دست‌به‌گریبان بوده ...^{۸۷} به دلیل آنکه مردم مسلمان از این امکانات و نیروها غافل‌ند و تحت تأثیر تبلیغات غربی سرمایه‌های مادی و معنوی را فراموش کرده‌اند. از این روی، امام از این غفلت مسلمین اظهار نگرانی می‌کند:

چه وقت ممکن است که دولت‌های ما، دولت‌های اسلامی، چشم‌هایشان را باز کنند؟ آیا نمی‌فهمند یا می‌فهمند و نمی‌کنند؟ اگر نمی‌فهمند، باید توجه کنند به مسائل که بیند بدبختی مسلمین از کجا شروع می‌شود و چه هست آن دردی که مسلمین را این طوری کرده که خزاین آنها را می‌برند و خودشان روی خزاین خودشان گرسنگی می‌خورند.^{۸۸} در جایی دیگر غفلت مسلمانان را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

مسلمین را چه شده است که در این مسائل که مربوط به حیثیت مسلمین است، ساکت‌نشسته‌اند، تماشاچی شده‌اند؟ تأسف دارد که مسلمین بی‌توجه هستند به این مسائل اسلامی ... چرا مطالعه نمی‌کنید در امر اسلام و در امر سرنوشت‌های مسلمین؟ تا کی ما باید زیر سلطهٔ اجانب باشیم؟^{۸۹}

به اعتقاد امام، بر اثر همین غفلت‌ها، برخی جوانان که حقایق اسلام را نشناخته بودند به مکتب‌های انحرافی روی آوردند و از سوی دیگر، ابرقدرت‌ها رهبران مسلمان را با

۸۵. اسناد لانه جاسوسی، ج ۳، ص ۹۴.

۸۶. ماهنامهٔ هدایت، شماره ۱۷، آذر ۱۳۸۱.

۸۷. پاسخ به نامهٔ محمدرضا حکیمی، آذر ۱۳۴۸، کتاب آوای انقلاب، ص ۱۲۲ و ۱۷۶.

۸۸. تبیان، دفتر نوزدهم، ص ۱۰.

۸۹. صحیفهٔ امام، ج ۳۱، ص ۳۴۲.

آری، چهارده قرن پس از هجرت با برکت رسول اعظم، با پیروزی این نهضت، بزرگ‌ترین تحوّل در جهان معاصر روی داد و برای نخستین بار یک کشور اسلامی به طور شگفت‌آمیزی ابرقدرت‌ها را به مبارزه طلبید و آنها را دچار ذلت ساخت و منافعشان را به مخاطره انداخت. مقام‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا اذعان داشتند. این انقلاب و رخدادهای آن، اوضاع ما را نابود کرد و افرادمان را پراکنده ساخت و روش‌های باثباتمان را به سوی پوچی سوق داد.^{۸۵}

به برکت نهضت امام خمینی، گرایش‌های معنوی در جهان رشد کرد و جرئت‌مآلت‌ها در برابر ستم ابرقدرت‌ها، افزایش یافت. نشانه‌هایی از رشد دینی در جهان آشکار شده و ایامی که دیانت و فضیلت را استهزای کردند، سپری شده و هویت اسلامی در دنیای اسلام احیا گشته است. به برکت این درخشش احساس عزت و کرامت می‌کنند و تعلق خاطر به این آیین محمدی احساس مشترک را در میان تمام مسلمانان پدید آورده که در افزایش اقتدار معنوی آنان دخالت عمده‌ای دارد.

کمتر منطقه‌ای از جهان اسلام را می‌توان یافت که از خیزش‌های مذهبی و معنوی بی‌بهره باشد و این نظریه متفکران غربی که می‌گفتند نقش تاریخی اسلام رو به رکود می‌رود، از اعتبار ساقط و باطل شده و برعکس، تحولات اخیر نشان می‌دهد که لیبرالیزم غربی و مدرن‌گرایی اروپایی در حال افول است.

پل و بریج، ریاست بنیاد کنگرهٔ آزاد آمریکا، به همراه ویلیام اس لیند، ضمن هشدار به رهبران آمریکا تصریح کرده‌اند: بعد از حدود سیصد سال که اسلام استراتژی دفاعی داشت، حالا استراتژی تهاجمی را اتخاذ کرده است، الان اسلام در حال گسترش به تمام جهان است: از پایین به هر دو ساحل آفریقا، از شرق به سوی جنوب دریای چین تا استرالیا، از شمال به سمت اروپای شرقی و غربی و از غرب به سمت ایالات متحده آمریکا اسلام نسبت به سایر ادیان در آمریکا بیشترین رشد را دارد و به همین دلیل جهان مسیحیت در مخاطره قرار گرفته است.^{۸۶}

آفت کرامت و شرافت

به رغم اینکه در قلمرو مسلمانان جهان، امواج بیداری پدیدار شده و مردم مسلمان دیگر دچار هزیمت روحی نیستند و شکوفایی مجدد اسلام در سراسر جهان آغاز شده و حرکت‌های اسلامی در حال رویش و رشد و گسترش است، اما هنوز جوامع مسلمانان از برخی تلخی‌ها رنج می‌برند و در مسیر دستیابی به صلابت سیاسی و کرامت و شرافت خود با نامالیماتی مواجه‌اند. امام خمینی

اسلامی را اغفال می کنند: گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می کنند. به اسم اسلام تبلیغاتی می کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و آنها به ذخایری که مسلمین دارند، دسترسی پیدا کنند.^{۹۳}

از دیدگاه امام کسانی که نمی توانند قدرت اسلام را ببینند، تفرقه ایجاد می کنند.

دشمنان اسلام و قرآن کریم، در کمین اند؛ آنهایی که اسلام را نمی توانند ببینند و آنهایی که از اسلام سیلی خورده اند... مفسده جو هستند و می خواهند اختلاف بیندازند.^{۹۴}

امام عقیده دارد تفرقه افکنان، اسلام راستین را نشناخته اند: ... اینهایی که کوشش دارند می کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و مع ذلک ادعای اسلام می کنند، اینها آن اسلامی را که قرآن کتاب اوست و آن اسلامی که کعبه قبله آنهاست، آنها اسلام نیافته اند و ایمان به آن اسلام نیآورده اند...^{۹۵}

گرایش های نژادی، قسومی، ملی گرایی و قسرادادن هویت های منطقه ای در برابر اسلام موجب تشدید تفرقه می شود و کانون اتکای مسلمین را از بین می برد:

یک نیرنگ بزرگی که از غرب سرازیر شده و دول اسلامی را تحت نفوذ قرار داده است یا تهدید کرده است [و آنان] را از قرآن کریم دور می کند، نژادبازی است. این نژادپرستی که در بین آقایان دارد رشد می کند و به آن دامن می زنند، یک مسئله بیچه گانه است، اسلام روی آن قلم سرخ کشیده بین سیاه و سفید، ترک و غیر ترک، عجم و عرب هیچ فرقی نگذاشت. فقط میزان را تقوا و از خدا ترسیدن قرار داد. قضیه نژادبازی از رجوع است.^{۹۶}

و در جای دیگر اعلام می کند:

مکرر اعلام کرده ام: در اسلام نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند.^{۹۷}

تبلیغات دروغین ثروتمند یا حامی زراندوزان معرفی کردند تا جوانان از آنها فاصله گیرند. دشمنان، نژاد و ملیت را در مقابل مذهب قرار دادند و سران کشورهای مسلمان را از مسائل اصلی غافل کردند و حتی اسلام را به گونه ای جلوه دادند که از جاذبه های آن کاسته شود. آنان از طریق آموزش و پرورش و دانشگاه نسل جوان را از فرهنگ مذهبی و ارزشی جدا کردند و روحانیان دلسوز و عالمان وارسته را، چهره هایی منفی جلوه دادند. در پوشش مورخ، سیاح، زمین شناس و جامعه شناس به سرزمین های اسلامی گام نهادند و با مطالعه فرهنگ سنت و شناخت امکانات مسلمانان، آنچه را که مایه عزت و شرافت بود، یا از مردم جدا ساختند و یا چهره ای مخدوش از آن ارائه کردند. سلطه سیاسی و اقتصادی، تبلیغ جدایی اسلام از سیاست، روی کار آوردن حکومت های فاسد، ترویج ملی گرایی و قرار دادن اقوام مسلمانان در برابر یکدیگر، از دیگر عوامل عقب ماندگی مسلمانان است. همه این امور، تاوان غفلت جهان اسلام است. مسلمانان باید پس از خود آگاهی، منشأ چنین مصایبی را شناسایی و برای آنها چاره اندیشی کنند.

۲. تجزیه و پراکندگی امت اسلامی

عدم انسجام ملت ها و دولت های اسلامی یکی از اموری است که بسیار مورد تأسف امام بود. ایشان نادانی برخی از افراد، موجب تفرقه می دانست:

این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است اجانب بر ما تسلط پیدا کنند. این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند.^{۹۰}

اگر مسلمین با هم بودند، این طور دلیل نبودند زیر دست اجانب و عمال اجانب... اجانب جدیت کردند تا حکومت ها را به نفع خودشان متفرق کردند، تکه تکه کردند.^{۹۱}

در جای دیگر امام تصریح می فرماید:

[تفرقه] از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کردند، پیش آمده است... اگر تنازع بکنید به هر شیوه ای که باشد، به حسب قرآن کریم ممنوع است. این تنازع فشل می آورد و رنگ و بوی انسان را از بین می برد.^{۹۲}

ابر قدرت ها با نیرنگ و فریب به پراکندگی دول و ملت اسلامی روی می آوردند:

دولت های استعمار طلب که می خواهند ذخایر مسلمین را ببرند با وسیله های مختلف، با نیرنگ های متعدد، دول

۹۰. تبیان، دفتر نوزدهم، ص ۳۳.

۹۱. همان، ص ۳۳.

۹۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۱۷.

۹۳. همان، ص ۱۰۱.

۹۴. همان، ص ۱۲۴.

۹۵. صحیفه امام، ج ۹۳، ص ۱۵.

۹۶. سخنرانی در مسجد اعظم قم، ۱۸ شهریور ۱۳۴۳، مجموعه ای از مکتوبات... امام خمینی، ص ۹۷.

۹۷. پیام امام به ملت ایران، ششم شهریور ۱۳۵۸، کتاب رهنمود های امام خمینی.

همچنین او خاطر نشان می سازد:

ابر قدرت ها به واسطه این تفاوت های نژادی با سوء استفاده و نیز غفلت سران اسلامی ملت و دولت های مسلمان را از هم متفرق نمودند.^{۹۸} امام ملّی گرای را که استعمارگران آن را ترویج کرده اند، اساس بدبختی مسلمین می داند و می گوید:

... نقشه هایی است که مستعمرین کشیده اند که مسلمین با هم دیگر مجتمع نباشند، در عراق حکومت سابق تر، طرح می کردند که ما می خواهیم مجد بنی امیه را احیا کنیم در مقابل اسلام. اسلام که آمده بود همه مجدها را فانی کند در مقابل مجدالله، اینها می گفتند ما مجد بنی امیه را باید احیا کنیم و این چیزی نبود که شعور این ها برسد تلقینی بود که ابر قدرت ها می کردند که اسلام متفرق بشود ...^{۹۹}

حتی امام تشکیل احزاب گوناگون را برای جدا کردن مسلمانان از یکدیگر تلقی می کند:

... دعوت هایی اجانب کردند بر ضد اسلام ... ایجاد احزاب مختلف از صدر مشروطیت به این طرف، برای تفرقه بود و تمام برای این بود که مسلمین با هم نباشد و نتوانند برای اسلام و به نفع اسلام کاری بکنند.^{۱۰۰}

به اعتقاد امام خمینی، چون اتحاد مسلمانان مایه ابهت و اقتدار آنان است و با وجود آن ابر قدرت ها نمی توانستند منابع جهان اسلام را غارت کنند از این رو، استعمارگران تلاش کردند با تفرقه افکنی و تجزیه ممالک اسلامی به اهداف خود دست یابند:

مسلمین همان ها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود، تمدن آنها فوق تمدن ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته ترین رجال بودند، توسعه ممالکشان از همه ممالک بیشتر بود، سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود: دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی شود تحمیل کرد چیزهایی که آنها می خواهند، نمی شود ذخایر اینها طلای سیاه آنها، طلای زرد اینها را قبضه کرد؛ در صدد چاره برآمدند. چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. دولت عثمانی یک دولت اسلامی بود که سیطره اش گرفته بود تقریباً از شرق تا غرب را ... آنها ... این دولت قوی اسلامی را تجزیه کردند به دولت های بسیار کوچک و برای هر یک از آنها امیری، سلطانی یا رئیس جمهوری قرار دارند: دولت در قبضه مستعمرین و

ملت بیچاره در قبضه دولت با این وضع دولت عثمانی با آن مجد را زمین زدند و دولت های اسلامی از خواب بیدار نشدند یا خودشان را به خواب زدند.^{۱۰۱}

با بررسی دیدگاه های امام خمینی محصول تلخ این تجزیه، تفرقه و پراکندگی، دوری امت اسلامی از فرهنگ اسلامی و فضیلت های اخلاقی، از دست دادن عزت و استقلال، تشدید، ناامنی و تشنج در قلمرو جهان اسلام و درگیری های قومی، مرزی و منطقه ای است. بدین ترتیب، دیگر مسلمانان قادر نخواهند بود که برخی معضلات چون اشغال فلسطین، عراق، افغانستان و بحران های دیگر را حل کنند، به مصالح و رشد و شکوفایی خود بیندیشند. از این رو، روح یأس و ناامیدی حاکم می شود و ابر قدرت ها به مطامع خود می رسند.^{۱۰۲}

۳. حاکمان تحقیر کننده ملت ها

نظامی که بر مبنای اسلام استوار است و به نشر معارف و اجرای حدود آن پردازد، دارای وصف کرامت است: چنانکه در دعای افتتاح ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اللَّهُمَّ اَنَا تَرَعَبُ الْبَيْكِ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْاِسْلَامُ وَاَهْلُهُ وَتُدَلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَاَهْلُهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ الِى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ الِى سَبِيْلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَاٰخِرَةِ».

وقتی تار و بود حکومتی همان ایمان، عمل صالح، معرفت و معنویت باشد، می تواند ارزش های الهی را گرامی بدارد و اهل آن مکتب را عزیز بشمارد و اهل نفاق را خوار و ذلیل کند. این کرامت همان حریت خاص است که در پرتو آن توانایی ها شکوفا می شوند و استقلال و توسعه فرهنگی و علمی پدید می آید. امام خمینی تصریح می کند:

اگر حکومت کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلامی بودند، اختلافات جزئی را کنار می گذاشتند، دست از خرابکاری و تفرقه بر می داشتند و متحد می شوند.^{۱۰۳}

۹۸. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۴۰.

۹۹. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۸۷.

۱۰۰. همان، ج ۶، ص ۳۳۷.

۱۰۱. سخنرانی در مسجد اعظم قم، مأخذ پیشین، ص ۹۷؛ در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۲۷-۲۸.

۱۰۲. در جستجوی راه از کلام امام، ص ۲۷، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

۴۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳، تبیان، همان دفتر، ص ۱۳۲.

۱۰۳. ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۳۵.

امام منشأ ذلت مسلمانان را، رؤسای کشورهای اسلامی می‌داند:

«بدبختی‌ها از رؤسای اسلام است، این رؤسای بیچاره که توجه ندارند به مصالح خودشان یا نمی‌خواهند توجه داشته باشند، اینهاست که ما را بدبخت کرده، اینهاست که روز سیاه برای مسلمین درست کرده (است) ... ۱۰۴»

آن‌گاه دلیل این ضایعه را چنین توضیح می‌دهد:

دوری دول اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانه استعمار قرار داده است. ۱۰۵»

به باور امام، نه تنها احکام اسلام در کشورهای اسلامی اجرا نشده، بلکه اجرای قوانین ظالمانه و مفسده‌انگیز جایگزین مقررات اسلامی گردیده است. اختلافات دولت‌های اسلامی نیز میراث عصر ملوک الطوائفی و دوران تو حش است که به دست اجانب شدت می‌یابد. آنان ضمن اینکه دشمنان را دوست تلقی می‌کنند، با ملت‌ها هیچ تفاهمی ندارند و کرامت‌های مردم را نادیده می‌گیرند و ملت‌ها را تحقیر می‌کنند و موجبات بدبینی مردم را نسبت به خود فراهم می‌سازند. بدین ترتیب آنها هم برای خود و هم برای جهان اسلام، معضلاتی را به وجود آورده‌اند ۱۰۶:

مشکل دولت‌ها و ملت‌ها این است که دولت‌ها خودشان را نشناخته و ملت خودشان را نشناخته‌اند. اینها گمان می‌کنند باید فرمانروایی کنند و ملت کورکورانه اطاعت کند. مادامی که این مشکل است که دولت‌ها می‌خواهند فرمانروایی کنند و برای خاطر آن ملت‌ها را سرکوب کنند این مشکل رفع نخواهد شد. ۱۰۷»

دولت با ملت‌ها طوری رفتار کرده‌اند که ملت‌ها پشتیبان آنها نیستند، مشکلاتی که برای این دولت پیدا می‌شود، باید به دست ملت‌ها رفع شود و چون تفاهمی بین آنها نیست. اگر ملت‌ها به مشکلات دامن نزنند، لااقل بی تفاوت هستند ۱۰۸»

مصیبت مسلمین بسیارش از دولت‌های اسلامی سرچشمه می‌گیرد. دولت‌های اسلامی که باید هم صدا باشند، هم فکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب ... همه حرفشان همین است که ماها از هم جدا باشیم و بلکه با هم دشمن باشیم و اشتغال پیدا کنیم به حال

هم و آنها استفاده کنند ... دولت‌هایی هستند که با ملت‌ها تفاهم ندارند، معامله دولت‌ها با ملت‌ها، معامله دشمن با دشمن است. ملت پشت می‌کند بر دولت و دولت می‌خواهد تحمیل کند بر ملت. از این جهت، ملت‌ها پشتوانه دولت‌ها نیستند و این موجب ضعف دولت‌هاست. ۱۰۹»

امام سران کشورهای اسلامی را این‌گونه نصیحت می‌کند:

شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید، نه حکومت بر ابدان و قلوب از شما کناره بگیرند. مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند. حکومت بر قلوب یک حکومت شیرین است، به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد. ۱۱۰»

امام اصرار دارد که حکمان قیّم مردم نیستند و این تصور را باید از ذهن خود بیرون کنند و خاطر نشان می‌کند:

نباید دیگر از این به بعد این فکر بیاید در سر این حکومت‌ها که کار با آنهاست و به ملت‌ها مربوط نیست. شما در مقابل ملت هیچ کاره‌اید، ملت‌ها هستند که باید کارها به تصویب آنها (برسد). ۱۱۱»

ایشان در جای دیگر هشدار داده‌اند:

باید این دولت‌ها این مطلب را از سر خودشان بیرون کنند که همان طوری که سابق می‌کردند، حال باید بکنند؛ یعنی خودشان را قیّم بدانند نسبت به ملت‌ها ... ۱۱۲»



۱۰۴. مجموعه‌ای از مکتوبات... امام خمینی، ص ۹۷.

۱۰۵. پاسخ به نامه دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا و کانادا، ۲۲ تیر ۱۳۵۱، خمینی و جنبش، ص ۹۸.

۱۰۶. در جستجوی راه از کلام امام، ص ۵۹، ۶۲، ۶۷، ۷۰، ۷۱ و ۱۶۶؛ تبیان، ص ۲۵، ۸۲، ۸۳.

۱۰۷. در جستجوی راه از کلام امام، ص ۱۶۵.

۱۰۸. همان ص ۱۶۳.

۱۰۹. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۱.

۱۱۰. همان، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

۱۱۱. تبیان، دفتر نوزدهم، ص ۲۶.

۱۱۲. در جستجوی راه از کلام امام، همان دفتر، ص ۸۲-۸۳.